



ویژگیهای جوانان و دوران جوانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ویژگیهای جوانان و دوران جوانی

گاه انسان توانمندیهایی دارد که خود نیز از آنها بیخبر است. جوانی فصل نشاط و فصل سبزی حیات است، جوانی فصل شیرینی از زندگی است که تکرار پذیر نخواهد بود. سلامت روحی و جسمی در دوران جوانی موجب ماندگاری و سلامتی بیشتر در دوران کهنسالی و میانسالی است. جوانان روحیهایی شاد، با نشاط، فضیلت جوی و حق طلب دارند. دوران جوانی، دوران رشد استعدادها و توانمندی-هاست.

ویژگیهای جوانان و نوجوانان

شش مورد از ویژگیهای دوران جوانی را برای شما برمی‌شماریم تا کسانی که در این دوران قرار دارند آن را مد نظر خویش قرار دهند و کسانی هم که این دوران را پشت سر گذاشته اند، با این آشنایی با جوانان و دنیایشان روبرو شوند. همه این موارد را به ذکر تاریخ و روایات مستند خواهیم کرد تا بدانید ویژگیهای دوران جوانی چیست.

۱. آسان پذیری

یکی از ویژگیهای جوان، رقت طبع و آسان پذیری است. امام صادق علیه السلام میفرماید: «لِأَنَّ قَلْبَ الشَّابِّ أَرْقُ مِنْ قَلْبِ الشَّيْخِ» (علل الشرایع، ج ۱، ص ۵۴) قلب جوان از قلب انسانهای کهنسال رقیقتر و آسانپذیرتر است؛ بدین معنا که زودتر مطلب را متوجه شده و زودتر میتواند خود را تغییر دهد.

پیامبر اکرم (ص) میفرماید: «وقتی خداوند مرا مبعوث کرد فرمود: «اوصیکم بالشُّبان» بر شما باد به جوانها، «انَّ اللهَ بَعَثَنِي حَقًّا بَشِيرًا وَنَذِيرًا» خدا مرا به عنوان نبي و پیغمبر حق فرستاد که مردم را پند و اندرز دهم، «فَحَالَفَنِي الشُّبَّانُ» اولین کسانی که دعوت مرا پذیرفتند جوانها بودند. «حالف» یعنی حلف و پیمان، «وَخَالَفَنِي الشُّيُوخُ ثُمَّ قَرَأَ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ» (روایات تربیتی، ج ۱، ص ۳۴۹ و ج ۳، ص ۳۶۸) درحالی که اولین مخالفان من در میان کهنسالان بودند و آنها دیرتر مرا پذیرفتند.

داستان ها و شواهدی پیرامون آسان پذیری جوانان

مورد اول: ابوجهل با پیغمبر به قدری خصومت میورزید که حتی در روز جنگ بدر، هنگامی که سر از بدنش جدا میکردند نیز به پیغمبر ناسزا میگفت. پیغمبر فرمود: فرعون زمان من! یعنی ابوجهل از فرعون زمان موسی بدتر بود، زیرا هنگامی که فرعون

داشت در آب غرق میشد دست از ناسزاگویی برداشته بود و می-گفت: اشتباه کردم؛ اما ابوجهل حتی هنگام جدا شدن سر از بدن نیز دست از ناسزاگویی به پیامبر برنمیداشت و همچنان ایشان را دشنام میداد.

از اولین ویژگیهای جوان، رقیق بودن قلب، قدرت تغییر، آسان پذیری و سهل الوصول بودن معارف اسلامی برای ایشان است. در تایید این مطالب میتوان به نمونه های فراوانی در تاریخ اسلام اشاره کرد.

مورد دوم: ابان ابن سعید جوانی بود که پدرش با پیغمبر مبارزه کرده بود و دو برادرش نیز در جنگ بدر، در سپاه کفر مقابل پیغمبر، کشته شده بودند. بنابراین توصیف او کسی بود که داغ دو برادر، -آن هم در جبهه ی کفر- دیده بود، اما خودش در مقابل

سخنان پیامبر پذیرش و انقیاد کامل داشت و خدمت رسول خدا آمد و مسلمان شد. (پیغمبر و یاران، ج ۵، ص ۷۸ و پیغمبر و یاران، ج ۱، ص ۵)

این مورد اولین ویژگی جوان است. جوانان باید مراقب باشید آنها را در جای نادرست به کار نبرید. توانمندیهای این سنین از برخی مسیرها که عبور کرد، دیگر از دست می رود.

۲. قدرت فضیلت طلبی

ویژگی دوم جوان، عبارت است از فضیلت جویی، حق طلبی و شجاعت در راه فضیلت؛ اگر جوان متوجه شد در جایی فضیلتی هست و این امر برای او به اثبات رسید، قدرت ریسک دارد، جلو میرود و به میدان میزند. جوان شجاع است و ملاحظه ندارد. اگر فضیلت یافت، جانش را در طبق اخلاص میگذارد. این ویژگی دوم یک جوان است.

داستانها و شواهدی پیرامون فضیلت طلبی جوان

قرآنی است که روی سینه اش است. امیرالمؤمنین
فرمود: «إِنَّ الْفَتَى مِمَّنْ حَشَا اللَّهُ قَلْبَهُ نوراً»
(بحارالانوار، ۲۸، ص

(۱۱۲)

خدا قلب این جوان را پر از نور کرده و او نورانیت
محض شده است. این شجاعت و فضیلت طلبی
ویژگی یک جوان است.

گذرد، تعلق خاطرش کم است. برخاست و او را پیدا
کرد و به بهانه ی اینکه میخواهم به تو کمک کنم و
پول و سلاح بدهم و جزو مخالفین نام نویسی کنم، با
او گلاویز شد و او را به درک واصل کرد.

هنگام برگشت، پیغمبر خطاب به او از همان دور که
میآمد، فرمود: «أَفْلَحَ الْوَجْهَ» چهرهات پیروزی را
نشان میدهد. عرض کرد: بله، یا رسول الله. پیامبر
فرمود: صبر کن و در آن هنگام به داخل خانه رفت و

عصاي مبارکش را آورد. عصا را به او داد و فرمود:
سفارش کن اين عصا را با تو دفن کنند و به خاک
بسپارند، در قيامت با اين عصاي من به صحرای
محشر بيا، در آن جا به راحتی مرا پيدا ميکني (پيغمبر و ياران، ج
۴، ص ۱۱۷) اين عصا يک نشانه و وديعه است، آن را تا
قيامت نزد خود به امانت نگاه دار. اين داستان را ابن
هشام در کتاب سيره نقل کرده است و نشان دهنده
قدرت فضيلت طلبي در جوانان است.

۳. عشق به عبادت و بندگي

جوان که اين طور است، خداوند به ملائکه ميگويد:
بدانيد که اين جوان به خاطر من شهوت را ترک کرده
است. او ميتوانست براي اداي نماز ابتدای وقت در
مسجد نباشد، ميتوانست در بسياری از جاهاي ديگر
باشد، -فضاهاي منحط در زمان و در جامعه ما فراوان
است - اين جوان ميتوانست چشمي را که بر روي

قرآن انداخته است به نامحرم هم بیندازد، اما شما ای ملائکه بنگرید که خدا به آنها افتخار میکند. در روایات آمده است که امام صادق (ع) فرمود: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَهُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ»؛ جوانی که قرآن بخواند، «اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَ دَمِهِ» (الكافي، ج ۲، ص ۶۰۳)؛ قرآن با گوشت و خونس مخلوط می-شود و در وجودش نفوذ میکند چراکه او جوان و در حال رشد و شکل گیری است. از ویژگیهای دیگر جوان میل به عبادت است. فطرت جوان پاک و عاری از گناه است، اگر زمانی مخالفتی هم بورزد این مخالفت سطحی و گذراست.

● داستان و شاهدهی پیرامون عبادت جوان

دعا کنید دعاهایتان مستجاب میشود. خودتان نیز کمی اراده و توان به آن اضافه کنید، خدا به شما این اراده را میدهد.

خواسته ی دیگرم از خدا این بود که از هیچکس غیر از خودش هراسی نداشته باشم، این توفیق را هم به من به داده الحمدلله که شجاع هستم.

سوم هم از خدا خواسته ام اندکی خوابم را کم کند - بالاخره جوان است و خواب در جوانی بسیار لذیذ است- و بر عبادتم بیفزاید. هنوز این خواستهام را به من نداده است و چیزی که برایش گریه میکردم این است. (پیغمبر و یاران، ج ۴، ص ۵۳)

بهترین عامل برای حفظ یک جوان

چرا در جامعه‌ی ما روابط مقداری به هم ریخته است؟ چرا انسان به سادگی شاهد بعضی بیعتیها در جامعه است؟ چرا بعضی روابط، روابط صحیحی نیست؟ چرا قبح گناه در بعضی جوامع و در بعضی مراکز ریخته شده است؟ جوان باید ابتدا از خداوند بخواهد و بعد پدر و مادر نیز یاری دهند که او بتواند

ازدواج کند. ازدواج بهترین عامل برای حفظ یک جوان در مقابل ناملایمات زندگی است. اما اگر نتوانست ازدواج کند قرآن می-گوید عفت پیشه کند و با ورزش، با دیدارهایی که با دوستان دارد، با تحصیل و مطالعه، جایگزین های مناسبی بیابد و به نوعی فراغتش را پر کند تا آنجا که شهوت مطلقا میدان پیدا نکند او را در دام خود بکشد. در یک جامعه ی آلوده جوان نمی تواند همسر مناسب پیدا کند و به تبع آن ازدواج موفق داشته باشد.

بنابراین اگر از شما پرسیده شد که ویژگیهای جوان چیست؟ بگویید: ۱- رقت طبع، ۲- حقیقت طلبی، ۳- میل به عبادت.

۴. قدرت عفو و گذشت

جوانان و نوجوانان زود میبخشند و کینه ندارند. برادران یوسف نیز جوان بودند که حسادت ورزیدند،

اشتباه کردند و برادرشان را به چاه انداختند، اما همینکه به اشتباهشان پی بردند بلافاصله گفتند: «يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا» (یوسف، ۹۷) پدر از خدا بخواه ما را ببخشد. – این آیه ی سورة يوسف است که بارها داستانش را شنیده‌ایم و پیامش این است که قدرت عفو و گذشت در جوان بسیار زیاد است، او کینه ندارد و اگر زمانی هم قهر او با رفیقش به طول بیانجامد، از تأثیر شیطان و هوای نفس اوست.

اگر جوانی را دیدید که در رابطه با دوستانش صمیمت لازم را ندارد بیشک در اثر هوای نفس است و اگر اندکی به فطرتش رجوع کند، از آن شیوه باز می‌گردد؛ همان-گونه که یوسف بخشید و بلافاصله گفت: «لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ» (یوسف، ۹۲).

۵- تسلیم در برابر حق

پیامبر این جمله را در حالی فرمود که سن ایشان کمتر از سی سال بود: «علی جان! روزی را میبینم که خون سرت محاسنت را خضاب میکند و فرقت شکافته میشود. امیرالمؤمنین نفرمود یا رسول الله چه کسی میزند؟ کجا میزند؟ یا چگونه میزند؟ بلافاصله عرضه داشت یا رسول الله آیا دینم سالم است؟ «أَذِلَّكَ فِي سَلَامَةٍ دِينِي»؟ آیا عاقبت به خیرم؟ اگر عاقبت به خیرم دیگر نمی-ترسم. (بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۱۹۰) بنابراین ویژگی پنجم جوان این است: تسلیم بودن در برابر حق.

۶. بازگشت از کار ناشایست

ویژگی ششم جوان، بازگشت از ناصواب است؛ جوان این توانایی را دارد که زود برگردد و زود تغییر کند، بنابراین پیامبر فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ الشَّابَّ

التَّائِبَ» (میزان الحکمه، ص ۱۸۵۸)

خدا جوان توبه کننده را دوست دارد، و به او افتخار میکند چون قابلیت تغییر در او بسیار است. در جنگ صفین جوانی هم قرآن میخواند و هم با امیرالمؤمنین میجنگید. آقا جلو آمد و فرمود: «چه میخوانی؟» جوان عرض کرد: «آقا قرآن میخوانم!»

پیامبر فرمود: «قسم نباء العظیم من هستم. تو با مصداق این داری می جنگی.» (تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۲۰؛ به نقل از تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۱۰)

روزی ابن عباس نزد معاویه آمد و گفت: ای معاویه، چرا جلسات تفسیر قرآن را برگزار نمیکنی؟ - معاویه پیش از این گفته بود کسی حق ندارد قرآن را تفسیر کند. قرآن را فقط بخوانید، اگر هم کسی تفسیر آن را خواست نزد خودمان بیاید و از اهل بیت سوالی نپرسد، چون میدانست تفسیر قرآن توسط اهل بیت چگونه است و اگر کسی تفسیر صحیح قرآن را بداند از راه ناصحیح باز خواهد گشت - جوان شمشیرش را زمین گذاشت و پس از آن به امیرالمؤمنین ملحق شد.

جوانها، نوجوانها شما را به خدا سوگند درباره شش ویژگی دوران جوانی که به آن اشاره کردیم بیشتر بیندیشید، ارزشها و توانمندیهای خود را راحت بفروشید و از دست ندهید. بیشک ارزشمندی شما بیش از این-هاست.

أَتَزَعَمُ إِنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ وَفِيكَ انْطَوَى الْعَالَمُ الْكَبِيرُ (دیوان علی ۷، ص ۱۷۵)

جوان رقت طبع دارد، فضیلت جو است، تسلیم و توبه دارد و زودگذشت است؛ حال پس از فهم این شش ویژگی دوران جوانی، حالا یک ارتباطی اجمالی با زندگی ابا الفضل العباس برقرار کنیم، و این بحث را با زندگی ایشان تطبیق دهیم و اندکی بیشتر با شخصیت ایشان آشنا شویم.

حس مسئولیت پذیری

بیماری قند داشتی و اگر همچنان رعایت نکردی و به خوردن ادامه دادی، به ناچار دست و پایت را قطع میکنند. بیماری قند ممکن است قلب شخص بیمار را از کار بیندازد و او را از بین ببرد. بنابراین کسی که بیماری قند دارد به ناچار از دستور پزشک اطاعت میکند، نان سوخته میخورد، چشمش که به مواد شیرین میافتد تأسف میخورد، اما به شیرینی لب نمیزند. چرا؟ چون بیماری قند دارد و این موضوع را پذیرفته است.

همه-ی ما خواه ناخواه در برابر قوانین اجتماعی مسئولیتپذیریم و به آن گردن مینهیم. همچنین در برابر قوانین طبی نیز حس مسئولیت داریم و آن را میپذیریم. در برابر قوانین آموزشی نیز به همین منوال.

برای نمونه اگر به یک دانشجو بگویند در صورتی که معدل شما کمتر از چهارده شود مشروط خواهید شد،

اطاعت میکند؛ یا اگر به او بگویند در صورتی که بیش از سه جلسه در کلاس درس غیبت داشته باشید، واحدهای آن درس شما حذف می شود، از آنجایی که این موضوع یکی از قوانین دانشگاه است او حق مشاجره با مسئولان آموزشی دانشگاه ندارد و لاجرم باید بپذیرد.

اهمیت قوانین الهی مسئولیت در مقابل ائمه

احساس مسئولیت دارای شاخه هایی است که یک شاخه ی آن، حس مسئولیت در برابر امام معصوم است. ما در مقابل امام معصوم حس مسئولیت داریم، هنگامی که شما به زیارت علی ابن موسی الرضا علیه السلام میروید میگویید: آقا «أَشْهَدُ أَنَّكَ تَشْهَدُ مَقَامِي وَ تَسْمَعُ كَلَامِي وَ تَرُدُّ سَلَامِي» شهادت میدهم

شما مرا مي-بينيد، شما مانند افراد معمولی نيستيد،
حي و حاضريد و نزد پروردگارتان روزي ميخوريد.